

(عليه السلام) شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق نماز (۷)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۵ / ۱۱



- چگونگی برخورد با افراد تارک نماز
- گریه در نماز
- چند راهکار برای بیدار شدن هنگام نماز صبح
- خواندن نماز در هر وضعیتی واجب است
- مهم‌ترین عمل عبادی
- علت اهمیت فوق‌العاده نماز
- ادب حضور در نماز
- مؤلفه‌های ادب بندگی
- همراهی خوف و رجا

این انکار به انکار اصل دین و شریعت برمی گردد و احکام سختی دارد که در جای خودش قابل ملاحظه است. انسان نباید با چنین کسانی معاشرت داشته باشد و نباید رفت و آمد کند. اما معاشرت با گروه دوم حرام نیست، منتهی باید احتیاط داشته باشیم؛ یعنی ارتباطات به اندازه و محدود باشد، مخصوصاً مراقب باشیم که بچه‌ها و کوچک‌ترها و حتی خودمان تحت تأثیر رفتارهای غیر صحیح آنها قرار نگیریم. اگر فرد تارک الصلاة از ارحام ما است، ارتباط با او را حفظ کنیم، منتهی مراقب باشیم. معمولاً کسانی که در خانواده مسلمان متولد می‌شوند و در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، علایق دینی دارند و به اولیای خدا اعتقاد دارند؛ منتهی برخی تبیل هستند؛ لذا باید حسن ظن داشته باشیم. مگر اینکه طرف خودش علناً و آشکار علیه دین موضع‌گیری کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّهِمْ

### ■ چگونگی برخورد با افراد تارک نماز

اگر کسی که نماز را ترک می‌کند، از روی اعتقاد باشد، یعنی شخص بگوید که نماز اصلاً جزء دین نیست و عناد داشته باشد، این شخص به مرز ارتداد و کفر رسیده است. اما اگر نماز را جزء دین می‌داند و از ارکان واجبات می‌شناسد، ولی مشکل او مشکل تنبلی است و علت ترک نماز از سر بی‌اعتقادی نیست، به هیچ وجه به چنین کسی نمی‌شود اطلاق کافر کرد. گروه دوم جزء کسانی هستند که گرفتار اهمال، سهو و غفلت هستند. طبعاً معاشرت با گروه اول جایز نیست. اگر کسی به مرز ارتداد و کفر رسیده باشد، یعنی نماز را که جزء ارکان اصلی دین است، منکر شود، اساساً

## ■ گریه در نماز

گریه در نماز اگر به خاطر امور دینی باشد، مطلوب است. یعنی انسان گناهان گذشته خود را به یاد می‌آورد و از خوف خدای متعال - و البته شوق به لطف و رحمت الهی - اشک می‌ریزد. این حالت خیلی خوب است. در این باره از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند. حضرت فرمودند: «اگر گریه کردید، مرا نیز یاد کنید».

## ■ چند راهکار برای بیدار شدن هنگام نماز صبح

انسان باید تلاش جدی داشته باشد که خواب و بیداری و به تبع آن، سایر برنامه‌هایش را بر اساس شناختی که از وضعیتش دارد، بر اساس نماز تنظیم کند. مثلاً می‌داند اگر فلان فیلم یا برنامه را ببیند یا تا دیر وقت معاشرت داشته باشد و مهمانی برود، نمی‌تواند بیدار شود و نماز صبح را درک کند. حضرت

علی (علیه السلام) فرمود: «بدان که تمام اعمالش تابع نمازت خواهند بود»؛ [۱] یعنی کل برنامه‌هایشان را بر اساس نماز، هم بر اساس ظاهر و هم بر اساس باطن آن، تنظیم کنید. از جمله امور ظاهری نماز وقت نماز است. انسان باید همه‌ی کارهای خود را با وقت نماز تنظیم کند. باطن نماز هم این است که نورانیت و طهارت و معنویات لطافت‌های نماز را در بخش‌های دیگر زندگی جاری سازیم. بنابراین به همه توصیه می‌کنیم که اگر سخت بیدار می‌شویم و این خطر وجود دارد که نماز صبح ما قضا شود و از وقت خود عبور کند، باید برنامه‌ی خوابمان را متناسب با نماز صبح تنظیم کنیم. چون این کارها مقدمات انجام آن کار واجب است، خود نیز اهمیت پیدا می‌کنند.

راهکار دیگر برای بیدار شدن جهت نماز صبح، این است که قبل از خواب وضو بگیریم

شود. این قاعده عمومی است. بنابراین اگر نماز خواندن در حالت عادی برای ما ممکن نیست و مثلاً نمی‌توانیم ایستاده آن را بخوانیم، نماز را نشسته بخوانیم و بدانیم که نمازمان صحیح است. البته به شرطی که واقعاً نتوانیم بایستیم و نتوانیم به سجده و رکوع برویم. بعضی‌ها به محض اینکه احساس ناراحتی کنند، مثلاً می‌خواهند به سجده بروند درد ملایمی در پا یا کمرشان احساس می‌کنند، این را کافی می‌دانند برای اینکه نشسته نماز بخوانند.

گاهی گزارش می‌دهند و می‌گویند خیلی صندلی زیاد شده و بعضی‌ها خیلی راحت با کوچک‌ترین احساس سختی بر روی صندلی می‌نشینند و نماز خود را نشسته می‌خوانند. آن چیزی که مجوز است برای کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند و باید با صندلی یا در وضعیت متفاوتی نماز

و آیه پایانی سوره کهف را بخوانیم. [۲]

گاهی اتفاقاتی در مسیر زندگی می‌افتد که باعث می‌شود تغییر مشهودی در ارتباط با خدای متعال و انجام برنامه‌های دینی رخ دهد. حتماً این مسئله باید ریشه‌یابی شود و با یک بررسی دقیق، وضعیت خود را تحلیل کنیم که در چه وضعیتی بوده‌ایم و اکنون در چه وضعیتی قرار گرفته‌ایم. به این ترتیب آن عوامل را شناسایی کنیم و بر اساس آن نسخه‌ای برای خود بپیچیم. به این نکته هم توجه داشته باشیم که کسی که می‌تواند بیشترین کمک را به ما کند، خود ما خود هستیم.

### ■ خواندن نماز در هر وضعیتی واجب است

باید حتماً تحت هر شرایطی و در هر موقعیتی نمازمان را بخوانیم و تحت هیچ وضعیتی نباید نماز را ترک کنیم و اجازه دهیم که به نماز آسیبی وارد

نماز است. آن چیزی که انسان مؤمن را از کژی‌ها، آفت‌ها و بدی‌ها شستشو می‌دهد، نماز است. آن چیزی که یک دستگاہ کامل تربیتی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد، نماز است. آخرین سفارش همه‌ی انبیا و اولیا و مخصوصاً سرور انبیا و سید اولیا، نماز است. مؤمن با نور نماز خود محشور می‌شود و آن چیزی که تأمین‌کننده رضا و رضوان الهی و بهشت جاودانی است، نماز است.

### ■ علت اهمیت فوق‌العاده نماز

ما درباره‌ی چنین چیزی صحبت می‌کنیم. هیچ یک از برنامه‌های دینی دیگر از نظر اهمیت، عمق، ژرفا، اثرگذاری در فکر و ذهن و روح و جان و روان و برنامه انسان مؤمن، به پای نماز نمی‌رسد. نماز، عمود و ستون اصلی دین محسوب می‌شود. اینها همه به خاطر این است که نماز ذکر است؛ چنان‌که

بخواند، این است که واقعاً شرایط خاصی داشته باشد؛ یعنی حالتی که ایستاده نماز خواندن برایش ضرر دارد یا درد غیر قابل تحملی دارد.

### ■ مهم‌ترین عمل عبادی

با بررسی آیات قرآن کریم و کلمات اولیای خدا مشخص می‌سازد که زیباترین جلوه پرستش نماز است. در بین واجبات نماز اولین محسوب می‌شود؛ چراکه اولین چیزی که یاد گرفتن آن واجب است، نماز است. نخستین چیزی که مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است. نماز محور و ستون اصلی واجبات است و پرچم دین محسوب می‌شود. شاید نزد خداوند متعال محبوب‌تر از نماز نداشته باشیم. در بین اعمال، نماز است که شیطان را دور می‌کند. آن عبادتی که زندگی انسان مؤمن را بیمه می‌کند و او را در حریم استوار و قلعه محکم قرار می‌دهد،

مقایسه نیست، وقتی محقق می‌شود که با حضور و توجه باشد؛ یعنی همه‌ی اینها به «ذکر» برمی‌گردد. ذکر یعنی همان حالت حضور که انسان توجه داشته باشد در چه مقامی ایستاده و در چه جایگاهی است و با چه کسی صحبت می‌کند و چه می‌گوید و چه می‌خواهد. این رمز اصلی آثار و برکات نماز است.

### ■ ادب حضور در نماز

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود درباره نماز می‌فرماید: «فَأَمَّا حَقَّ الصَّلَاةِ: فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ، وَأَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ» یعنی نمازگزار باید بداند که در مقابل چه کسی ایستاده است. این مطلب با عبارت «فَأَنَّ تَعْلَمَ» تأکید شده؛ یعنی نمازگزار بداند که نماز عبارت است از مهمانی خداوند و شرفیابی به محضر پروردگار متعال. در چنین وقتی تو در پیشگاه خداوند ایستاده‌ای:

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ [۳] نماز را برای یاد من به یادار». متنها نه یک ذکر عادی، بلکه یک ذکر برگزیده، طراحی و سازماندهی شده که پروردگار متعال آن را به عنوان بالاترین هدیه برای انسان مؤمن و جامعه‌ی مؤمنین فرستاده تا فرد مؤمن و جامعه ایمانی را دائماً پویا و رشید و رو به رشد، باظراوت و با طهارت قرار دهد. این خاصیت ذکر است و یاد خدا چنین آثاری دارد. بنابراین سخن درباره حقیقتی است به نام نماز و نماز حقیقی که این همه آثار و برکات معنوی و دنیوی و آخرتی دارد. در تمام عرصه‌های ظاهری، باطنی، مادی، معنوی، دنیایی و آخرتی، می‌توانید نقش نماز را مشاهده کنید. ما با چنین چیزی روبرو هستیم و در این بحث‌ها راجع به حق نماز صحبت می‌کنیم. نماز حقیقی که با هیچ کدام دیگر از واجبات از این جهت قابل



در وضعیت عادی، در گفتگوهای معمولی، انسان کمال توجه را دارد به کسی که با او صحبت می‌کند. هر چه معرفت ما نسبت به جایگاه، نقش، شخصیت، عظمت، علم و قدرت آن شخصی که با او نشستیم، بیشتر باشد، به همان نسبت حضور ما بیشتر می‌شود و ادب ما هم به همان نسبت دقیق‌تر می‌شود.

حضرت تمام تأکیدشان روی این نکته است: «فإذا علمت ذلك...». به عبارتی می‌شود گفت که حق نماز در این کلمه خلاصه شده و از ضمن آن، آن آداب استخراج شده و آن کلمه عبارت است از اینکه بدانی که نماز شرفیابی به محضر خدا و میهمانی خدای متعال و گفتگوی با حضرت حق است. اگر این را بدانی و به آن برسی: «كنت خلیقا أن تقوم فیها مقام الذلیل» در موقعیت خاصی قرار می‌گیری که شخصیت تو به فهرستی از زیبایی‌هایی آراسته

«وَأنتَ قائمٌ بها بین یدی الله» به هر میزانی که انسان به این فهم دست یابد، می‌تواند از لذت و کیمیای حضور و اثر عجیب حضور، بهره‌مند شود. «فإذا علمت ذلك» نتیجه را به ما می‌گوید؛ یعنی اگر کسی به این فهم و درک رسید که نماز یعنی چه و با چه کسی صحبت می‌کند و کجا ایستاده است، آنگاه آثار عجیبی در آن لحظات حضور برای او پیدا می‌شود که او را می‌برد در حضور و از غفلت و غیبت به ذکر و حضور می‌آورد. در آن حضور حالاتی برای او شکل می‌گیرد که در پرتو آن حالات انسان مؤمن در نمازش به مقصد می‌رسد. این حالات محصول احساس حضور و وضعیت توجه و ذکر است که از آن تعبیر می‌شود به «ادب حضور».

انسان وقتی خود را در حضور پروردگار متعال احساس کرد، جلوی پریشانی فکرش گرفته می‌شود. این همان ادب است.

قسم است؛ یعنی انسان به روشن‌بینی و فهم برتر درباره لحظه‌های حضور در نماز برسد. جالب است که هر چه در این روشن‌بینی و فهم جلو بروید، باز یک مرحله جدیدی پیش روی شما قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، از یک دانستن معمولی شروع می‌شود و به شهود و یقین و مدارج بالا منتهی می‌شود. این راهی است که پیش روی هر کسی است که می‌تواند این راه را با همت و استمداد از لطف الهی سیر کند. در اینجا حضرت فرمودند: وقتی به اینجا رسیدید، اتفاقی که برای شما افتاده این است که این فهم به شما کمک می‌کند تا ادب بندگی را رعایت کنید. اما ادب بندگی چیست؟ در اینجا فهرست بسیار زیبایی مطرح می‌شود. «أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ» اینجا انسان در جایگاه بندگی و مقام عبد قرار می‌گیرد. یعنی کسی که در چنین جایگاهی

می‌شود که ادب این حضور محسوب می‌شود. این سؤال مهمی است که چه کار کنیم که نمازمان کیفیت پیدا کند و بتوانیم از نور نماز و آثار و برکات آن بهره‌مند شویم. جواب این پرسش را از همین جمله اول باید استخراج کنیم؛ یعنی خودمان را به این فهم روشن درباره لحظات نماز برسانیم که این امر نیازمند ذکر، فکر، مطالعه و مراجعه به آیات قرآنی و کلمات اولیای خدا و سیره آنها است. در این باره و درباره آن لحظات و عظمت و شکوه آن اندیشه کنیم تا قلب ما برای استفاده مهیا شود.

### ■ مؤلفه‌های ادب بندگی

وقتی فکر و ذکر دست به دست هم دهند، محصولش روشن‌بینی، اشراف، شهود، آگاهی و همان علمی است که امام (علیه السلام) فرموده‌اند: «فَأَنْ تَعْلَمَ...» این تعلم از این

ایستاده و در لحظات نماز عازم شده برای اینکه وضو بگیرد و به سمت نماز برود و در آن وقت دیدار می‌خواهد حضور پیدا بکند، بنده و عبد است. کلمه عبد در برگیرنده تمام ویژگی‌هایی است که می‌خواهیم اینجا فهرست کنیم. اولین ویژگی آن است که فرمودند: «العبد الذلیل» کلمه ذلیل در اینجا یعنی رام، خاکسار، فروتن و حالت تسلیم و احساس کوچکی در برابر پروردگار متعال. امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه مبارک سجادیه جمله‌ای دارند که به نوعی می‌توان گفت زبان حال ولی خدا در مقام بندگی است؛ مخصوصاً در نماز این جمله در اوج خود قرار می‌گیرد. حضرت می‌فرماید: «أَنَا عَبْدٌ أَقَلُّ الْأَقْلِينَ وَ أَدَلُّ الْأَذَلِّينَ مَثَقَالِ ذَرَّةٍ» در پیشگاه تو از من کوچک‌تر و خاکسارتر چه کسی است؟ من ذره‌ای بیش نیستم، نه، از ذره هم کمترم: «أَوْ

دُونَهَا» در این وضعیت است که انسان می‌تواند مزه نماز را بچشد و شاهد حضور به کامش ریخته می‌شود.

«الرَّاعِبُ» یعنی سرشار از شوق و احساس و لبریز از اشتیاق. من هیچ تکلفی احساس نمی‌کنم و هیچ بار سنگینی ندارم. من یک وعده مخصوص دیدار دارم. حضرت می‌فرماید: «کان وقت الزیارة» هنگام دیدار فرارسید. تمام قوای ظاهری و باطنی انسان بسیج می‌شود برای چنین دیداری. همه به میدان می‌آیند و لحظه‌شماری می‌کنند و آنات را می‌شمارند برای اینکه به وقت نماز برسند. انسان مؤمن هر چه که به وقت نماز نزدیک‌تر می‌شود، ضربان قلب تشدید می‌شود و احساس عجیبی به او دست می‌دهد؛ چراکه می‌خواهد با کسی صحبت کند که همه‌ی وجودش لبریز از اشتیاق به او است. «مژده وصل تو کو که از سر جان

یعنی دانستی که داری می‌روی به دیدار خداوند و «وفاده الی الله» محصولش می‌شود «الخائف». خائف در جایی است که انسان به وضعیت خودش نگاه می‌کند و اندیشناک می‌شود که موعد دیدار رسید، نکنند مرا نپذیرد؟! من وضعم خوب نیست. به گذشته‌اش نگاه می‌کند و یاد خطاها، بی‌ادبی‌ها، غفلت‌ها و بی‌حیایی‌هایش می‌افتد. این، باعث می‌شود که حالت خوفی در شخص شکل گیرد؛ یعنی توجه به اینکه در این لحظات من در محضر کسی هستم که لحظه‌لحظه زندگی مرا می‌داند من در حضور او بودم و اشتباهات، کژی‌ها، خطاها و غفلت‌های من در حضور او صورت گرفته است. حال نمازگزار چنین حالی است. «عبد اتصل الیک مما کنت اوجهک به من قله استحيایی من نظرک». می‌خواهم بیایم به دیدن تو، خودم را می‌کشم و می‌آورم؛ زیرا از کم‌حیایی‌ها

برخیزم؛ طایر قدسم و از بام جهان برخیزم». این وعده مژده وصل است. به من گفته‌اند بیایم به دیدن تو. تو این قرار را برای من گذاشتی. وقت نماز، وقت قرار و دیدار و گفتگوی با تو است. «یا خیر مرغوبین» حضرت از حالت رغبت و شوق و طلب که در انسان شکل می‌گیرد، بلافاصله می‌روند سراغ ویژگی بعدی: «الرَّاهِب» اینجا امام ترسان است، ولی این ترس از جنس این است که انسان می‌گوید با دست خالی آمدم. هیبت پروردگار و کبریا و عظمت و بزرگی‌اش به ذهن ما آمده و در دل ما خطور کرده است. این حالت رهبت و حالتی که «دل صنوبریم همچون بید می‌لرزد» محصول فهم بزرگی، شکوه و عظمت این لحظات و مقامی است که انسان در آن قرار می‌گیرد. این می‌شود معنای «الرَّاهِب». بعد می‌فرماید: «الخائف» اینها همه محصول «فاذا علمت» است؛

و غفلت‌هایم خجالت می‌کشم. می‌ترسم خطا و اشتباهم را به رخم بکشی. احساس عجیبی به انسان دست می‌دهد. اگر بخواهی با عدلت با من روبه‌رو شوی، من هلاک خواهم شد؛ چنان‌که در مناجات امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه می‌گوییم: «وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي» درباره این حالت خوف در نماز، روایات خیلی عجیبند. سیره اولیای خدا در نماز بسیار عجیب بوده است. مثلاً امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقت نماز، حالت رنگ‌پریدگی در ایشان پیدا می‌شد. درباره امام سجاد (علیه السلام) نیز مکرر این وضعیت نقل شده است. درباره حضرت زهرا (علیها السلام) نیز نقل شده است که در نماز بر خود می‌لرزیدند و نگران بودند.

■ **همراهی خوف و رجا**

جالب است که هر جا سخن از خوف می‌آید، بلافاصله

سخن از رجا می‌آید. یک قدمی می‌روی و یک قدم برمی‌گردی، با خود می‌گویی: من کجا می‌روم؟! آیا پذیرش می‌شوم، نمی‌شوم؟! اینجا بلافاصله رجا و امید به میدان می‌آید. اما کرم تو مرا صدا می‌زند که تو کریمی؛ لطف تو مرا فراخوان می‌کند که تو لطیف هستی؛ رأفت تو مرا می‌خواند که رئوف هستی. تو رحمن و رحیمی؛ خطاپوشی تو مرا دعوت می‌کند که تو ستاری؛ عذرپذیری تو مرا صدا می‌زند که تو توابی، تو خودت را این‌طور معرفی کرده‌ای. من می‌روم به دیدن چنین کسی. بزرگی و شکوه تو است که مرا با همه خطاها و بدی و اشتباهاتم دعوت می‌کند و می‌پذیرد. این، باعث می‌شود که دل انسان مؤمن در وقت نماز، سرشار از امید شود. تعبیرات چقدر عجیب است در توصیف آن لحظات. «المسکین»، حالت و ادب بعدی

تکان‌دهنده است. یک گروه حجاج در بیت الله الحرام در محوطه حرم کنار بیت دور هم جمع شده بودند و با هم گفتگو می‌کردند. امام زمان بر جمعشان وارد شد و حالت سگری برای آنها ایجاد شد؛ مثل اینکه از همه‌ی عالم بی‌خبر شده باشند. البته آنها حضرت را نشناختند. سپس حضرت با انگشتان مبارکشان اشاره کردند به آنجایی که ایستاده بودند و فرمودند: همین‌جا بود که جد ما زین‌العابدین و سید الساجدین (علیه السلام) به سجده می‌رفت و می‌گفت: «الهی عیب‌دک بفنائک، فقیرک بفناک، مسکینک بفنائک، سائلک بفنائک، یسئلک مالا یقدر علیه غیرک». [۵]



است. من خودم را در آینه غنای مطلق تو دست خالی دیدم و دیدم که هیچ چیزی ندارم و تویی که مالک من و مالک هر چیزی که می‌شناسم و نمی‌شناسم. همه‌ی عوالم به تو تکیه کرده‌اند و تویی که از همه بی‌نیازی. انسان با حالت فقر احساس نیاز و مسکنت می‌کند. مسکین شدیدتر از فقیر است. وقتی فقر شدید می‌شود، به آن عنوا مسکین و مسکنت می‌دهند. من ندای پژواک تو را در قرآن در قلبم احساس می‌کنم که فرمودی: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» [۴] ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است». اگر به من بگویی که چه چیز آوردی، می‌گویم هیچی نیاوردم. رفتن به محضر کریم با دست خالی ادب است. من فقرم را آوردم و ناداری سرمایه من در محضر تو است. جمله عجیبی داریم که خیلی

## ■ منابع و مأخذ

- [۱]. نهج البلاغه، نامه ۲۷.
- [۲]. در حدیث آمده است: هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند، هر ساعتی که بخوهد از خواب بیدار می‌شود. (تفسیر نور الثقلین)
- [۳]. طه: ۱۴.
- [۴]. فاطر: ۱۵.
- [۵]. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۸.



افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیسه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

